

## بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان

دکتر سالار فرامرزی \*

رضا همایی \*\*

دکتر محمد سلطان حسینی \*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، سنجش رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه اصفهان است. روش پژوهش به صورت توصیفی - هم‌بستگی و حجم نمونه برآورد شده، برابر با ۴۵۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری شامل دو پرسش‌نامه سنجش ویژگی‌های هوش هیجانی پیترایدز و فارنهام (۲۰۰۳) و پرسش‌نامه هوش معنوی محقق ساخته است که ضریب پایایی به دست آمده برای آنها به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۷ می‌باشد. برای تحلیل داده‌های حاصله، از روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها بر اساس برآورد تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که هوش معنوی با هوش هیجانی رابطه دارد و این ارتباط در ابعاد مختلف هوش معنوی و هوش هیجانی مشاهده می‌شود و رابطه معناداری بین آنهاست. به عبارتی، هوش معنوی بیشتر سبب هوش هیجانی زیاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، هوش معنوی، هوش هیجانی

## مقدمه

مطالعات جدید عصب‌شناسان نشان می‌دهد، که برخی کنش‌های مغزی با تجربه‌های معنوی همراه است، به گونه‌ای که معنویت روی برخی از قسمت‌های مغز اثر می‌گذارد. یکی از این قسمت‌های مغز، بخش لپ‌های گیجگاهی است که دقیقاً پشت ناحیه گیجگاهی قرار دارد و عصب‌شناسان، این بخش را «منطقه خدا» می‌نامند، زیرا با تحریک مصنوعی آن موضوع‌های معنوی، مانند دیدار با خدا، گفتگوی دینی، از خودگذشتگی، فداکاری، انسان دوستی و مانند اینها پدیدار می‌شود (چی یو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱؛ نارایانسمی و آونز،<sup>۲</sup> ۲۰۰۱؛ زوهار و مارشال، ۲۰۰۰؛ رامچاندرا و ویلسکی،<sup>۳</sup> ۱۹۹۸؛ پرسینگر،<sup>۴</sup> ۱۹۹۶)؛ بنابراین می‌توان معتقد به وجود هوش معنوی در انسان بود.

توجه به معنویت در حل مشکلات زندگی و ارزش و معنادار نمودن زندگی انسان، از دوران جیمز<sup>۵</sup> و نگارش کتاب *گوناگونی تجربه‌های معنوی*<sup>۶</sup> (۱۹۷۷) آغاز شد. جیمز معتقد بود که معنویت موجب معنا در زندگی انسان می‌شود، به گونه‌ای که وی رفتارهای عقلانی و منطقی را برای پیروی در زندگی استفاده می‌کند، ارتباطات وی با دیگران یک ارتباط انسانی و اعتقادی خواهد بود و نگرش مثبتی به خود و دیگران دارد. در شروع سال ۲۰۰۰، زوهار و مارشال<sup>۷</sup> (استادان دانشگاه آکسفورد) که در زمینه فیزیک، فلسفه و مذهب به مطالعه می‌پرداختند، کتابی با عنوان *هوش معنوی: هوش بنیادی*<sup>۸</sup> منتشر کردند که سرآغاز طرح هوش سومی، به عنوان «هوش معنوی»<sup>۹</sup> در مجامع علمی گردید.

وهان<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) معتقد است که هوش معنوی، یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد. هوش معنوی نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن و روح با زندگی در دنیای هستی است. هوش معنوی می‌تواند به وسیله تلاش، جستجو و تمرین پرورش یابد. انسان برای کسب قدرت تشخیص در تصمیم‌گیری‌هایی که به رشد سلامت نفس و روان کمک می‌کند، نیازمند هوش معنوی است. بر همین اساس، زوهار و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند، هوش معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بینشی عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نترسد و

1. Chiu

3. Ramachandran &amp; Blakeslee

5. James

6. The varieties of religious experience: A study in human nature

7. Zohar &amp; Marshall

8. SQ: Spiritual Intelligence: The ultimate intelligence

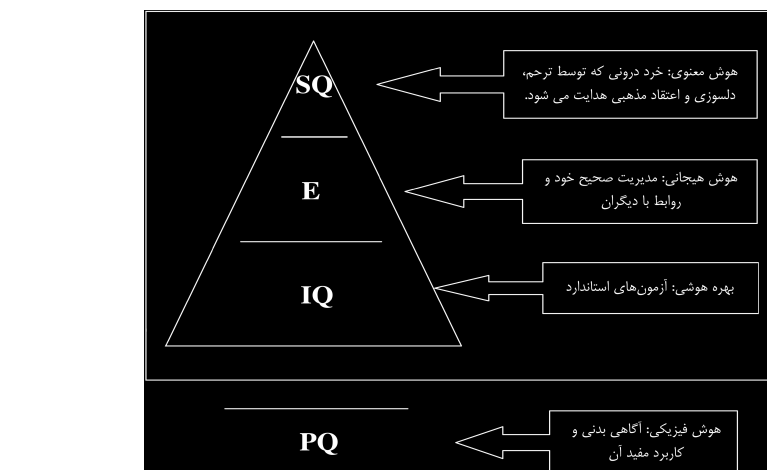
9. spiritual intelligence

2. Narayanasamy &amp; Owens

4. Persinger

10. Vaughan

با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده و راه‌حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. مک شری و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) تأکید می‌کنند که هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود؛ به گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند. هوش معنوی باعث افزایش قدرت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی انسان شده است، به طوری که در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، بردباری و صبوری بیشتری دارند. در واقع، هوش معنوی ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جستجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد. الکینز و کاوندش<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) بر این باورند که حوزه هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطف بیشتر به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد. مک گوار<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در تعریف هوش معنوی می‌گوید: «هوش معنوی، توانایی عمل همراه با آگاهی و ترحم را دارد؛ در عین حالی که سلامت و آرامش درونی و بیرونی (بردباری) را صرف نظر از شرایط حفظ می‌کند». در واقع، هوش معنوی یک هوش ذاتی انسانی است و همانند هر هوش دیگری می‌تواند رشد کند، به این معنا که می‌توان آن را توصیف و اندازه‌گیری کرد. مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در نمودار زیر، چگونگی وجود هوش معنوی، هوش هیجانی، بهره هوشی و هوش فیزیکی را در یک هرم ترسیم نموده است؛ به طوری که هوش معنوی را بالاترین و بارزترین هوش در انسان و در رأس هرم قرار داده است.



1. McSherry & et al
2. Elkins & Cavendish
3. McGuire
4. conscious pursuits

در مطالعات اسمیت<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) نشان داده شد که هوش معنوی، لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، تحمل آنان در مقابل فشارهای زندگی بیشتر بوده و توانایی بالاتری را برای سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند. وی ده مهارت هوش معنوی را بدین گونه تشریح می‌کند:

۱. تجربه معنوی:<sup>۲</sup> وجود فعالیت و تجربه‌های خاص مذهبی؛
۲. مقابله با استرس:<sup>۳</sup> استفاده از ایمان و اعتقاد مذهبی برای حل مسائل و فشارهای زندگی؛
۳. هدفمند بودن:<sup>۴</sup> داشتن هدفی مشخص در زندگی با در نظر گرفتن مسائل مذهبی؛
۴. پرستش‌گاه:<sup>۵</sup> تمایل به مکان‌های مذهبی و رهبری مذهبی؛
۵. خارج شدن از اصول:<sup>۶</sup> فاصله گرفتن از اصول و عقاید کلیشه‌ای در زندگی؛
۶. محوریت اعتقادات:<sup>۷</sup> تأثیر مذهب در رفتار و عملکرد (مانند خوردن، آشامیدن و پوشش)؛
۷. مقررات مذهبی:<sup>۸</sup> رعایت قوانین و فرمایشات مذهبی در زندگی؛
۸. نیایش:<sup>۹</sup> دعا کردن و اعمال مذهبی در زندگی؛
۹. تحمل کردن:<sup>۱۰</sup> تحمل نمودن اعتقادات سایر مذاهب و برخورد اصولی و منطقی با آنها؛
۱۰. مفاهیم دینی:<sup>۱۱</sup> اعتقاد به مفاهیم اساسی دینی (مانند خالق یکتای جهان، روح و زندگی پس از مرگ).

موسسه آگاهی‌سنجی پرودیو (۲۰۰۵) در آمریکا نیز شش مهارت برای هوش معنوی تعریف کرده است. این مهارت‌ها شامل دلسوزی برای دیگران، احساس ملکوتی، خردورزی، توانایی گوش دادن، توکل بر خدا، تعهد و ایمان می‌باشد. همچنین، ولمن<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱) اجتماعی بودن و ادراک فراحسی را دو مهارت اساسی هوش معنوی معرفی می‌کند.

در حقیقت، هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار، سبب خودآگاهی و بینش عمیق فرد نسبت به زندگی و هدفدار نمودن آن می‌شود؛ به گونه‌ای که اهداف، فراتر از دنیای مادی ترسیم می‌گردد و همین

---

1. Smith  
3. coping  
5. worship place  
7. centrality  
9. prayer  
11. religious concept

2. religious experiences  
4. purpose  
6. living out  
8. religious practices  
10. tolerance  
12. Wolman

فرآیند موجب سازگاری فرد با محیط به خاطر خشنودی و رضایت دیگران شده است، زیرا وی با این سازگاری در صدد جلب رضایت خداوند متعال است؛ بنابراین، ارتباط مستقیمی بین هوش هیجانی و هوش معنوی وجود دارد. مطالعات روس<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، تامپسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، اوسوالد<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، وان لیوین و کاسولر<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، الکینز و کاوندش (۲۰۰۴) و مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که بین هوش معنوی، هوش هیجانی، صلاحیت‌های شخصی و سلامت ذهن، هم‌بستگی بالایی وجود دارد. تحقیقات آنها نشانگر آن است که هوش معنوی به رشد، غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می‌کند و همچنین هوش هیجانی، یاری‌دهنده فرد به یک هوش معنوی بالاست؛ بنابراین، برای رسیدن به یک زندگی شاد و همراه با سلامتی جسمی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.



مایر<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۰۰) معتقدند که توجه به هیجان‌ها و کاربرد مناسب آنها در روابط انسانی، درک احوال خود و دیگران، خویش‌داری و تسلط بر خواسته‌های لحظه‌ای، همدلی با دیگران و استفاده مثبت از هیجان‌ها در اندیشه و شناخت، موضوع هوش هیجانی است که می‌تواند با آگاهی و هوش معنوی ارتباط داشته باشد. در واقع، آموزش طبیعی هیجانی که با هنرهای آزاد و نظام‌های ارزشی نیز همراه است، اهمیتی ویژه دارد. برنامه‌هایی مانند هنر، تاریخ، شهروندی، دین و مذهب بر هوش هیجانی مؤثرند.

بار-آن<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) نظریه‌پرداز دیگری است که هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با ضرورت‌ها و فشارهای محیطی افزایش می‌دهد و باعث بروز رفتارهای سازگارانه و انسان‌دوستانه از سوی فرد می‌شود.

1. Ross  
3. Oswald  
5. Mayer

2. Thompson  
4. Van Leeuwen & Cusveller  
6. Bar – on

تحقیقات نشانگر آن است که احساس‌ها و عواطف، مانند سایر موضوع‌های علمی، دارای اصول و فنونی است که برخی در آن مهارت دارند و عده‌ای هم ضعیف هستند. میزان مهارت اشخاص در هوش هیجانی می‌تواند آنها را در زندگی شخصی و اجتماعی، افرادی منعطف، سازگار، انسان دوست و موفق بکند. در صورتی که افراد از هشیاری عاطفی کمی برخوردار باشند و فقط از نظر بهره هوشی (I.Q)<sup>۱</sup> در سطح بالا باشند، ممکن است در دنیای علم، پیشرفت داشته باشند؛ ولی در زندگی شخصی و اجتماعی در روابط با دیگران نمی‌توانند رفتار مفید و مؤثری داشته باشند (تیجان، ۱۹۹۴، به نقل از کوب و مایر،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰)؛ بنابراین، هوش هیجانی به علت مرتبط بودن با مهارت‌های مهم زندگی شخصی و اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت و هدایت فرد دارد.

بنا بر مطالعات و تعاریف انجام شده در زمینه هوش هیجانی و هوش معنوی می‌توان اذعان نمود که هوش معنوی و هوش هیجانی می‌توانند بر یکدیگر تأثیر بگذارند و فردی که از هر دو هوش برخوردار باشد، می‌تواند در زندگی دنیوی موفق و برای زندگی اخروی نیز اندوخته مناسبی جمع کند. از این رو، پژوهش حاضر در صدد سنجش رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان است. بر همین اساس، چهار سؤال پژوهشی به شرح زیر تهیه و مورد بررسی قرار گرفت:

۱. سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی چقدر است؟
۲. سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه کنترل عواطف و هیجان‌ها از هوش هیجانی چقدر است؟
۳. سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی چقدر است؟
۴. سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه کنترل خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی چقدر است؟

---

1. Intelligence Quotient  
2. Cobb & Mayer

## روش

در این قسمت، بحث روش پژوهش، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری و روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها مطرح شده است. روش پژوهش: با توجه به اینکه پژوهشگر در صدد سنجش رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی بوده، روش پژوهش، توصیفی و از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری: جامعه مورد بررسی شامل تمامی دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ است.

**حجم نمونه:** با توجه به حجم بالای جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه، مطالعه مقدماتی انجام شد که پس از برآورد واریانس جامعه، با بهره‌گیری از فرمول برآورد حجم نمونه، ۴۵۰ نفر تعیین شدند.

**روش نمونه‌گیری:** برای انتخاب دانشجویان گروه نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی-خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به همین منظور، از بین هشت دانشکده دانشگاه اصفهان، پنج دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، علوم اقتصاد و علوم اداری، ادبیات و علوم اجتماعی و شیمی به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس از بین رشته‌های حاضر در این دانشکده‌ها، دو رشته آموزشی به طور تصادفی و از بین آنها دانشجویانی از ترم‌های مختلف تحصیلی به طور تصادفی انتخاب شدند. بر این اساس، از هر دانشکده ۹۰ نفر دانشجو و از هر رشته در هر دانشکده ۴۵ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند که از این تعداد، ۲۸۰ نفر دانشجوی دختر و ۱۷۰ نفر دانشجوی پسر بودند.

## ابزار اندازه‌گیری

**الف) پرسش‌نامه سنجش ویژگی‌های هوش هیجانی:** این پرسش‌نامه توسط پیترایدز و فارنهام<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) تهیه شده و ۳۰ ماده دارد که به هر ماده، نمره ۱ تا ۷ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تعلق می‌گیرد. این پرسش‌نامه، هوش هیجانی را در چهار حیطه می‌سنجد، که عبارت است از: ۱. درک عواطف و احساس‌های خود و دیگران؛ ۲. کنترل احساس‌ها و عواطف؛ ۳. تنظیم روابط خود با دیگران (مهارت‌های اجتماعی)؛

1. Petrides & Furnham

۴. خوش‌بینی و نگرش مثبت. پیترایدز و فارنهام (۲۰۰۳) با استفاده از روش همسانی درونی سؤالات پرسش‌نامه، پایایی آن را ۰/۸۶ گزارش نموده‌اند. ضریب محاسبه شده برای این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمده است.

ب) پرسش‌نامه هوش معنوی: این پرسش‌نامه توسط محقق و با الهام از مهارت‌های بیان شده توسط مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو (۲۰۰۵) و اسمیت (۲۰۰۵) در مورد هوش معنوی طراحی شده است، که ۴۰ سؤال دارد و به سنجش هوش معنوی در هشت حیطه پرداخته است که عبارت است از: ۱. محوریت اعتقاد به خداوند در کارها؛ ۲. خودآگاهی؛ ۳. پالایش تجربه‌های روزانه خود؛ ۴. توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی؛ ۵. تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)؛ ۶. دعا و نیایش؛ ۷. اعتقاد به مفاهیم دینی؛ ۸. صبر و تحمل دیگران. طیف این پرسش‌نامه به صورت پنج گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) بوده که به ترتیب نمره‌های «۱، ۲، ۳، ۴، ۵» به آنها تعلق گرفته است. برای تعیین روایی صوری و محتوایی این پرسش‌نامه، پرسش‌نامه اولیه همراه با اهداف پژوهش و فرم ارزیابی، برای تعدادی از اساتید و متخصصان علوم دینی ارسال و از آنان خواسته شد که پرسش‌نامه را بررسی و در فرم ارزیابی نظرات خود را بیان نمایند. میانگین نمره ارزیابی صاحب‌نظران ۴/۴۱ (در طیف پنج ارزشی لیکرت) بوده است که بیانگر روایی مطلوب ابزار است. همچنین پایایی ابزار نیز، پس از اجرای مقدماتی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با ۰/۸۷ برابر بوده که نشانگر سطح پایایی مطلوب آن است.

**روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، علاوه بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و جداول، در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

### یافته‌ها

در این قسمت، یافته‌ها بر اساس سؤال‌های پژوهش در جداول شماره ۱ تا ۴ ارائه شده است.

**بررسی سؤال اول:** سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی چقدر است؟



جدول (۱): نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معناداری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۳۳۶	۰/۰۵۹	۰/۷۹	۵/۵۰	۰/۵۸	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۰/۲۳۸	۰/۰۶۰	۰/۹۱	۵/۹۸	۰/۵۸	۰/۰۰۱
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۳۸۵	۰/۰۴۵	۰/۵۴	۴/۳۳	۰/۵۸	۰/۰۰۱
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۱/۹۹	۰/۰۵۶	۰/۰۱۳	۰/۳۵۵	۰/۰۶	۰/۷۲
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)	۲/۴۲	۰/۰۰۹	۰/۶۶	۴/۵۴	۰/۵۸	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۴/۵۲	۰/۰۲۲	۰/۰۷۱	۱/۰۸	۰/۰۶	۰/۵۹
اعتقاد به مفاهیم دینی	۱/۳۱	۰/۰۳۴	۰/۴۱	۰/۶۳	۰/۰۶	۰/۴۱
صبر و تحمل دیگران	۰/۸۸	۰/۰۴۳	۰/۸۵	۵/۶۴	۰/۵۸	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول (۱)، از حیطه‌های هوش معنوی، پنج حیطه محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و صبر و تحمل دیگران بر آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی تأثیر داشته و می‌توانند در معادله رگرسیون باقی بمانند و سه حیطه دیگر، یعنی توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، اعتقاد به مفاهیم دینی و دعا و نیایش بر آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی تأثیر ندارند؛ بنابراین، آگاهی از عواطف خود و دیگران در دانشجویان، تحت تأثیر پنج حیطه محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و صبر و تحمل دیگران از

هوش معنوی دانشجویان قرار دارد و هر چقدر این پنج حیطة در آنها پرورش یافته‌تر باشد، احتمال بروز رفتاری همراه با آگاهی از عواطف خود و دیگران نیز بیشتر خواهد بود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۵۸ واریانس مشاهده شده در نمره‌های آگاهی از عواطف خود و دیگران در دانشجویان به واسطه پنج حیطة محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و صبر و تحمل دیگران از هوش معنوی آنها قابل تبیین بوده و این مقدار نیز معنادار است.

**بررسی سؤال دوم:** سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة کنترل عواطف و هیجان‌ها از هوش هیجانی چقدر است؟

جدول (۲): نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة کنترل عواطف و هیجان‌ها از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معناداری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۲/۵۳	۰/۰۵۱	۰/۵۲	۰/۸۵	۰/۰۸	۰/۷۴
خودآگاهی	۰/۱۵۶	۰/۰۵۰	۰/۲۸	۳/۱۷	۰/۴۷	۰/۰۰۱
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۲۲	۰/۰۳۵	۰/۵۵	۶/۳۶	۰/۴۷	۰/۰۰۱
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۸/۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۷۵	۱/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۹
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)	۰/۹۱	۰/۰۵۲	۰/۴۸	۴/۲۶	۰/۴۷	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۰/۱۲	۰/۰۳۷	۰/۲۰	۳/۳۹	۰/۴۷	۰/۰۰۱
اعتقاد به مفاهیم دینی	۳/۳۸	۰/۰۳۶	۰/۴۱	۲/۶۲	۰/۴۷	۰/۰۴
صبر و تحمل دیگران	۰/۳۶	۰/۰۴۰	۰/۶۲	۶/۷۷	۰/۴۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول (۲)، از هشت حیطة هوش معنوی، شش حیطة آن، یعنی خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)، دعا و نیایش، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر کنترل عواطف و هیجان‌ها از هوش هیجانی تأثیر داشته و می‌توانند در معادله رگرسیون باقی

بمانند و تنها دو حیطة هوش معنوی، یعنی محوریت اعتقاد به خداوند در کارها و توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، بر کنترل عواطف و هیجان‌ها از هوش هیجانی تأثیر ندارند؛ بنابراین، کنترل عواطف و هیجان‌ها در دانشجویان تحت تأثیر شش حیطة هوش معنوی دانشجویان قرار دارد و هر چقدر هوش معنوی در آنها پرورش یافته‌تر باشد، احتمال کنترل عواطف، هیجان‌ها و احساس‌ها نیز در آنها بیشتر خواهد بود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۴۷ واریانس مشاهده شده در نمره‌های کنترل عواطف و هیجان‌های دانشجویان به واسطه شش حیطة هوش معنوی آنها قابل تبیین بوده و این مقدار نیز معنادار است.

**بررسی سؤال سوم:** سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی چقدر است؟

جدول (۳): نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معناداری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۳۸	۰/۰۴۸	۰/۸۴	۷/۹۳	۰/۷۴	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۰/۱۰۶	۰/۰۳۲	۰/۴۳	۳/۲۶	۰/۳۱	۰/۰۰۴
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۱۴	۰/۰۴۵	۰/۸۰	۳/۹۵	۰/۷۴	۰/۰۰۲
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۰/۳۳	۰/۰۴۲	۰/۰۸	۱/۰۲	۰/۰۵	۰/۵۱
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)	۰/۲۱	۰/۰۳۹	۰/۳۵	۳/۱۱	۰/۳۱	۰/۰۰۵
دعا و نیایش	۱/۵۴	۰/۰۵۲	۰/۰۱۴	۰/۴۵	۰/۰۵	۰/۶۴
اعتقاد به مفاهیم دینی	۰/۳۸	۰/۰۵۵	۰/۴۳	۳/۷۴	۰/۳۱	۰/۰۰۳
صبر و تحمل دیگران	۰/۳۱	۰/۰۴۴	۰/۷۹	۵/۶۶	۰/۷۴	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۳)، از هشت حیطة هوش معنوی، شش حیطة آن، یعنی محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر

و تحمل دیگران بر حیطة مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی تأثیر داشته و می‌توانند در معادله رگرسیون باقی بمانند و تنها دو حیطة هوش معنوی، یعنی توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی و دعا و نیایش، بر حیطة مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی تأثیر ندارند؛ بنابراین، مهارت‌های اجتماعی دانشجویان تحت تأثیر شش حیطة هوش معنوی آنها قرار دارد و هر چقدر هوش معنوی در آنها پرورش یافته‌تر باشد، احتمال شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی نیز در آنها بیشتر خواهد بود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که بین ۰/۳۱ تا ۰/۷۴ واریانس مشاهده شده در نمره‌های مهارت‌های اجتماعی دانشجویان به واسطه شش حیطة هوش معنوی آنها (محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران) قابل تبیین بوده و این مقدار نیز معنادار است.

**بررسی سؤال چهارم:** سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی چقدر است؟

جدول (۴): نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معناداری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۴۷	۰/۰۸۰	۰/۵۸	۳/۵۵	۰/۳۵	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۱/۸۸	۰/۰۷۱	۰/۰۹۵	۰/۶۶	۰/۰۵	۰/۶۲
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۲/۲۲	۰/۰۰۹	۰/۰۸۶	۰/۵۱	۰/۰۵	۰/۷۴
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۰/۲۵	۰/۰۴۳	۰/۹۲	۳/۸۶	۰/۳۵	۰/۰۰۱
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)	۰/۵۱	۰/۰۲۹	۱/۰۹	۴/۱۲	۰/۳۵	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۴/۱۴	۰/۰۷۷	۰/۰۹۴	۰/۵۶	۰/۰۵	۰/۶۹
اعتقاد به مفاهیم دینی	۰/۵۵	۰/۰۸۲	۰/۸۵	۳/۸۲	۰/۳۵	۰/۰۰۳
صبر و تحمل دیگران	۲/۱۴	۰/۰۲۹	۰/۰۵۰	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۳۳

بر اساس نتایج جدول (۴)، از حیطة‌های هوش معنوی، چهار حیطة آن، یعنی محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و اعتقاد به مفاهیم دینی بر حیطة خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی تأثیر داشته و می‌توانند در معادله رگرسیون باقی بمانند و چهار حیطة خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، دعا و نیایش و صبر و تحمل دیگران بر حیطة خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی تأثیر ندارند؛ بنابراین، خوش‌بینی و وجود نگرش‌های مثبت به خود و دیگران در دانشجویان تحت تأثیر چهار حیطة (محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی و اعتقاد به مفاهیم دینی) هوش معنوی آنها قرار دارد و هر چقدر این چهار حیطة از هوش معنوی در آنها پرورش‌یافته‌تر باشد، احتمال به وجود آمدن نگرش‌های مثبت و خوش‌بینی نسبت به خود و رفتارهای دیگران نیز در آنها بیشتر خواهد بود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۳۵ واریانس مشاهده شده در نمره‌های خوش‌بینی و نگرش مثبت دانشجویان به واسطه چهار حیطة (محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی و اعتقاد به مفاهیم دینی) هوش معنوی آنها قابل تبیین بوده و این مقدار نیز معنادار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در زمینه سهم نسبی هر یک از حیطة‌های هوش معنوی بر حیطة‌های هوش هیجانی نشان می‌دهد که از هشت حیطة هوش معنوی دانشجویان، پنج حیطة آن؛ یعنی محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و صبر و تحمل دیگران می‌توانند بر آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی، شش حیطة هوش معنوی؛ یعنی خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)، دعا و نیایش، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر حیطة کنترل عواطف و هیجان‌ها، شش حیطة هوش معنوی؛ یعنی محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه)، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر حیطة

مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی و همچنین چهار حیطهٔ محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدادوستانه) و اعتقاد به مفاهیم دینی از هوش معنوی بر حیطهٔ خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی تأثیر داشته و می‌تواند باعث پرورش و رشد آن شوند؛ بنابراین، بیشتر حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه‌های هوش هیجانی تأثیر دارد و می‌تواند باعث بهبود و افزایش آنها شوند. بر اساس نتایج می‌توان اذعان نمود که اگر انسان بتواند در کارها و امور دنیوی خود با توکل بر خداوند و محوریت قرار دادن فرامین او، با دیگران ارتباط برقرار کند و در هر شرایطی به دیگران کمک کند، می‌توان شاهد یک انسان وارسته، خداپرست و خدا ترس بود. در واقع، این گونه عمل نمودن، مورد رضایت خداوند و خلق اوست؛ بنابراین، تقویت هوش معنوی که همان اطاعت‌پذیری از خداوند است، باعث بهبود رفتار اجتماعی، احترام به عواطف و احساس‌ها و رعایت حقوق دیگران و یا به عبارت دیگر، بهبود و تقویت هوش هیجانی می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان به یک رابطهٔ تعاملی بین هوش معنوی و هوش هیجانی پی برد. همان گونه که مطالعات مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو آمریکا (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی یک رابطهٔ تعاملی وجود دارد و هر دو بر یکدیگر تأثیر مستقیم دارند؛ به عبارت دیگر، با افزایش و رشد یکی، افزایش و رشد دیگری نیز حاصل خواهد شد. بنابراین، علاوه بر تأیید یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس مطالعات مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو آمریکا (۲۰۰۵) و مطالعات روس (۱۹۹۴)، تامپسون (۲۰۰۲)، اوسوالد (۲۰۰۴)، وان لیوین و کاسولر (۲۰۰۴) و الکینز و کاوندش (۲۰۰۴) نیز یافته‌های این پژوهش تأیید می‌شود که نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مستقیم بین هوش معنوی و هوش هیجانی است.

دعا و نیایش تنها حیطهٔ هوش معنوی است که بر سه حیطهٔ آگاهی از عواطف خود و دیگران، مهارت‌های اجتماعی و خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی تأثیری ندارد که احتمالاً علت آن، این است که دعا و نیایش از اعمال کاملاً شخصی بوده و هر شخصی با نگرش و میزان آگاهی نسبت به عواطف، اقدام به دعا و نیایش می‌کند؛ بنابراین، دعا و نیایش به تنهایی نمی‌تواند باعث بالا رفتن آگاهی از عواطف خود و دیگران و یا ایجاد نگرش مثبت و خوش‌بینی در فرد شود؛ زیرا چه بسا فردی گوشه‌گیر و بدبین نیز دست بر دعا و نیایش بر می‌دارد.

به هر میزان که فرد در زندگی خود و چگونگی انجام کارها، رضایت خداوند را به عنوان ملاک خود قرار دهد و کارها و اعمال خود را بر اساس دانش، آگاهی و شناخت انجام دهد، همچنین در مقابل رفتار نادرست دیگران نیز صبر و بردباری داشته باشد، کارهای روزانه خود را در زمان استراحت و آسودگی مرور کند و تجربه‌های نادرست را کنار بگذارد، می‌تواند بسترهای رشد و پویایی هوش هیجانی خود را فراهم کند. بر همین اساس، می‌توان با تقویت هوش معنوی دانشجویان و حتی از دوران مدرسه و قبل از آن (دوره پیش دبستانی)، موجبات پرورش هوش هیجانی را در آنها به وجود آورد تا شاهد رفتارهای درست و منطبق با ارزش‌های جامعه باشیم.

## منابع

- Bar-on, R. (2001), *Emotional intelligence and self-actualization*, New York: Routledge.
- Chiu, L. (2001), "Spiritual resources of Chinese immigrants with breast cancer in the USA", *International Journal of Nursing Studies* 38 (2), pp.175-184.
- Cobb, C. D. & J. D. Mayer (2000), "Emotional Intelligence: what the Research says", *Educational Leadership*, 58, pp.14-18.
- Conscious Pursuits (2005), *Spiritual Intelligence*, Conscious Pursuits, Inc, All Rights Reserved.
- Elkins, M. & R. Cavendish (2004), "Developing a plan for pediatric spiritual care", *Holistic Nursing Practice* 18 (4), pp.179-186.
- Mayer, J. D.; R. D. Caruso & S. Peter. (2000), "Emotional Intelligence meet traditional Standards for an Intelligence", *Emotional Intelligence*, 27, pp.267-298.
- McGuire, M. B. (1993), "Health and spirituality as contemporary concern", *Annals of the American Academy of Political & Social Science*, 527, pp.144-155.
- McSherry, W.; P. Draper, & D. Kendrick (2002), "The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care", *International Journal of Nursing Studies* 39 (7) , pp.723-734.
- Narayanasamy, A. & J. Owens (2001), "A critical incident study of nurses' responses to the spiritual needs of their patients", *Journal of Advanced Nursing* 33 (4), pp.446-455.
- Newberg, A. D.; E. D. Aquili & V. Rause (2001), *Why God won't go away: Brain science and the biology of belief*, New York, NY, USA: Ballantine Books.
- Oswald, K. D. (2004), *Nurses' perceptions of spirituality and spiritual care and emotional Intelligence*, Unpublished Doctoral Dissertation, Drake University, Des Moines, IA, US.
- Persinger, M. A. (1996), "Feelings of past lives as expected perturbations within the neurocognitive processes that generate the sense of self: Contributions from



- limbic lability and vectorial hemisphericity", *Perceptual and Motor Skills*, 83 (3pt2), pp.1107-1121.
- Petrides, K. V.; N. Frederickson & A. Furnham (2003), "The Role of Trait Emotional Intelligence in Academic Performance and Deviant Behavior at school", *Journal Personality and Individual Differences*, Vol 17, pp.37-57.
- Ramachandran, V. & S. Blakeslee (1998), *Phantoms in the brain: Probing the mysteries of the human mind*, London, UK: Fourth Estate.
- Ross, L. A. (1994), "Spiritual aspects of nursing", *Journal of Advanced Nursing* 19, pp.439-447.
- Smith, S. (2004), "Smith, Exploring the interaction of emotional Intelligence and spirituality", *Traumatology* 10 (4), pp.231-243.
- Zohar, D. & L. Marshall (2000), *SQ: Spiritual Intelligennce: The ultimate intelligence*, New York, NY, USA: Bloomsbury.
- Thompson, I. (2002), "Thompson, Mental health and spiritual care", *Nursing Standard: Official Newspaper of the Royal College of Nursing* 17 (9), pp.33-38.  
View Record in Scopus | Cited By in Scopus (6).
- Van Leeuwen, R. & B. Cusveller (2004), "Nursing competencies for spiritual care", *Journal of Advanced Nursing* 48 (3), pp.234-246.
- Vaughan, F. (2002), "What is spiritual intelligence?", *Journal of Humanistic Psychology*, 42 (2), pp.16-33.
- Wolman, R. N. (2001), *Thinking with Your Soul: Spiritual Intelligence and Why it Matters*, New York: Harmony Books.